

بتواند این خیال را بکند ، وانگهی عقاید مذهبی جناب آقامیرزاهمدی مانع است از اقدام به قتل نفس ، لکن محض اداء تکلیف و این که باعث خجالت آقامیرزاهمدی خواهد گردید گفتم: آقای من ، در اول انعقاد مجلس و مقام اتحاد و اتفاق کاری نکنید که باعث خرابی امر و تفرقه متحدین و سبب شق عصای مسلمین گردید. خواهش دارم این خفت را محض رضای خالق متحمل شوید، و اظهاری نفرمائید بلکه بر روی خود نیاورید. جناب آقامیرزا مهدی اگر چه گذشت و مدتی هم در خانه نشست ، ولی آقایان و طلاب رفتند عذر خواهی کردند و معذرت خواستند و رفع کدورت و نقار ایشان شد. لکن این سوء اتفاق دو نتیجه داد: اول رنجش حاجی شیخ فضل الله و بهانه دست او آمدن . ثانی تفرقه انجمن مخفی که دیدیم انجمن فقط راه دخلی شده است که دو هزار تومان از حاجی معین بوشهری بگیرند و بعضی نوش جان کنند ، دیگر در مقام کار و خدمت نباشند لاقلاً از یکدیگر همراهی کنند از آن جمله بنده نگارنده از اتفاق و نیامدن جناب آقامیرزاهمدی به انجمن ، دیگر وارد به انجمن نشدم دیگر این انجمن منعقد نگردید الا به طور غیر رسمی که گاه گاه در خانه های یکدیگر سه چهار نفری به هم می رسیدیم .

روز پنجشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۲۴ - امروز بازارها بسته ، مردم دسته به دسته ، فوج فوج ، در خانه آقای طباطبائی می آیند و تبریک عید مولود را می گویند. شاگردان مدارس به حالت نظام وارد می شوند ، خطبه و خطابه می خوانند.

دیشب هم چراغانی با شکوه در شهر بود . در سلام دولتی هم امر اعلیحضرت صادر شد که تمام سفرا و رجال دولت و بزرگان و علماء و وکلای ملت را دعوت کنند ، برای روز هیجدهم که در آن روز مجلس شورای ملی رسماً منعقد گردد و مبعوثین ملت حضور اعلیحضرت شاهنشاهی معرفی گردند .

روز جمعه شانزدهم ماه شعبان ۱۳۲۴ - امروز از طرف جناب صدر اعظم مشیرالدوله دعوت نامه ای حسب الامر اعلیحضرت که دیروز امر مبارک صادر گردیده بود طبع شده به عموم حضرات علماء اعلام و شاهزادگان عظام و امراء و وزراء و اعیان کرام و سفراء دول خارجه بدین مضمون فرستاده شد .

بعد الاقاب روز يك شنبه هیجدهم شعبان سه ساعت به غروب مانده در عمارت گلستان افتتاح مجلس شورای ملی خواهد شد . مستدعی است در ساعت مذکور برای درک سعادت حضور همایونی شرف حضور به هم رسانیده . لهذا در روز مذکور سه ساعت به غروب مانده سلام عام در تالار جنب بریلیان شرف انعقاد یافت و شاهنشاهزادگان و مدعویین به شرف حضور نایل آمدند .

روز شنبه ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ - امروز تهیه مجلس را می بینند که فردا در عمارت باغ گلستان در حضور اعلیحضرت منعقد گردد . صدراعظم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و

دو پسرش نهایت سعی را دارند در تشکیل مجلس ، و سبب همراهی و سعی و کوشش و جهد بلیغ صدر اعظم را مردم تربیت شدن پسرهایش را می گویند . لکن ما علاوه بر میل اعلیحضرت به مشروطیت و تربیت شدن پسرهای مشیرالدوله به يك نکته دیگر برخوردیم و در آن مقام ذکر می نمائیم .

جناب میرزا ناصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم ایران روزی که ، پا به دایره نوکری گذارد ، در ماه اول موجب او پانزده قران بود ، که هر قرانی يك مثقال نقره است و از این رتبه سال به سال رو به ترقی نهاد تا به مقام وزارت خارجه رسید و البته چنین شخصی که از این رتبه نازل به این مقام رسد ، اگر پولی تحصیل کند قدر پول را به خوبی می داند و خرج بیهوده نمی کند . املاک مشیرالدوله هم چون متفرق بود و مهمانی شایانی نمی کرد و بذلی نمی کرد ، لذا کسی مطلع بر تمول و مکنت مشیرالدوله نگردید . عین الدوله هم که بر مصدر صدارت نشست به ملاحظه این که مشیرالدوله در کارهای میرزا علی اصغر خان اتابك دخالت داشته و از امورات دولتی با اطلاع است ، لذا مشیرالدوله را که وزیر امور خارجه بود با خود در مشاورت داخل نمود و در امور پولتیکی از او استعلام و استفسار می نمود و در امور وزارت خارجه هم به همین جهت احتیاج ، به مشیرالدوله تصرفی نمی کرد ، نه چیزی می داد و نه می گرفت مشیرالدوله هم به همین قدر قناعت داشت و از عین الدوله کوچکی می نمود تا این که در چند ماه قبل ، ارفع الدوله سفیر کبیر ایران را از اسلامبول خواسته ارفع الدوله در پارک عین الدوله منزل کرد . چون لابد بود پولی تقدیم شاه و اتابك نماید ، لذا مدعی وزارت خارجه گردید و گفت : صد هزار تومان می دهم که وزیر امور خارجه بشوم عین الدوله محض دوستی با مشیرالدوله برای مشیرالدوله پیغام داد که ارفع الدوله صد هزار تومان تقدیم می کند برای گرفتن وزارت خارجه ، شما چه می گوئید . مشیرالدوله که شخصی عاقل با تدبیر و زرنگی بود . گفت : در صورتی که ارفع الدوله صد هزار تومان بدهد او مقدم است . به او واگذار نمائید ، مشیرالملک و مؤتمن الملک پسرهای مشیرالدوله به پدر گفتند : اگر ارفع الدوله وزیر امور خارجه گردد کار ما خراب خواهد شد و اگر در این مقام پولی مایه گذاریم نصف آن را از خود ارفع الدوله در می آوریم و نصف دیگر را از محل های دیگر . باری اصرار و ابرام و الحاح پسرها باعث شد که مشیرالدوله راضی شد که هشتاد هزار تومان بدهد و وزیر امور خارجه ، خودش باشد . عین الدوله دید ، که هشتاد هزار تومان مشیرالدوله بهتر است از صد هزار تومان ارفع الدوله چه هم مشیرالدوله را دارد و هم بیست هزار تومان دیگر از ارفع الدوله در می آید .

لذا شب مشیرالملک و مؤتمن الملک پسرهای مشیرالدوله را خواست و گفت : من برای پول مثل مشیرالدوله ، شخصی را مکدر نمی کنم و هشتاد هزار تومان را بدهید که تقدیم اعلیحضرت نمایم و ارفع الدوله را هم چون بر من وارد شده است و شاه را با او میل است

خوب است به همان مأموریت سابق برقرار داریم . بالاخره در همان مجلس مشیرالملك حواله هشتاد هزار تومان به طومان‌نیاس تاجر نمود . حواله را نوشت و داد به عین‌الدوله از آنجا بیرون آمده مراتب را به پدر بزرگوار خودشان گفته مشیرالدوله گفت: عین‌الدوله گمان این قدر پول برای ما نداشت ، حالا که دید به این آسانی و سهلی هشتاد هزار تومان گرفت فردا بهانه دیگر خواهد گرفت ، بر فرض از من احترام و ملاحظه کند بعد از مردن من دیگر شما صاحب يك شاهی نخواهید بود . این مالیه را که با صد هزار خون جگر در این مدت متمادی برای شما ذخیره گذاردم ، به اندک زمانی از شما خواهند گرفت . چنانچه در مورد دیگران دیدیم و دانستید . به این جهت همان روزی که عین‌الدوله معزول و مشیرالدوله به صدارت منصوب گردید ، این دو پسر در مشروطه شدن ایران نهایت سعی را مبذول نمودند . بلکه فوق‌العاده سعی و جهد کردند ، صدراعظم در مقاصد آنها فوق‌العاده همراهی کرد چه می‌داند اگر دولت ایران، دولت عادلانه و سلطنت ایران، سلطنت، مشروطه و اساسی گردد، دیگر مالیه صدراعظم را نمی‌برند و آنچه جمع کرده است برای اولادش باقی می‌ماند. این بود که نهایت آمال این صدراعظم، مشروطه شدن سلطنت ایران بود و برای حفظ مالیه و اندوخته خویش قلعه‌ای محکم و حصار سدیدی بنا کرد و آن مشروطه شدن سلطنت می‌باشد و الحق صدراعظم نهایت سعی و جهد را در این امر نمود .

بارعام دادن مظفرالدین شاه

روز یکشنبه هیجدهم شعبان‌المعظم ۱۳۲۴ هجری - سال یونت‌ئیل - وقت عصر سلام عام منعقد گردید. حجج اسلام و علماء اعلام دارالخلافة عموماً در تالار جلوس نمودند. مبعوثین ملت همه حاضر بودند، اعلیحضرت همایونی در تالار گلستان به تخت سلطنت عادلانه جلوس فرموده نخست کلمه‌ای که به پیشوایان اعلم و رؤسای معظم ملت فرمود این بود: که الحمدلله به آرزوی ده ساله خودم رسیدم . سپس وکلای منتخب را به آستان ملايك نشان طلبیدند و با تفقد شاهانه و با تطفل پدران جمله را به تأییدات خسروانی مستظهر داشتند و به درستی و راستی و رعایت جانب رعیت، خاصة ضعفا و مردم بی دست و پا ترغیب و تشویق کردند .

جناب نظام‌الملك حسب‌المقرر و المرسوم شرف مخاطبت داشتند. نخست خطیب‌الممالك علی‌الرسم، خطبه گرائی عرض و قرائت نمود. تمام علماء اعلام و سایر حضار از وجوه اعیان و اشراف وجود مسعود همایونی را از صمیم قلب به عرض رسانیدند . تمام سفرای کبار و وزرای مختار دول متحابه خارجه ، مقیمین دربار دولت ، نیز حسب‌الدعوه در تالار موزه مبارکه حاضر شده بودند . احتساب‌الملك از طرف قرین‌الشرف به آنها تبلیغ تفقد و احوال‌پرسی نمود و مقتدرالملك نایب رئیس اداره تشریفات وزارت خارجه مشغول پذیرائی آنها بود .

از اول شروع در سلام و جلوس اعلیحضرت علی‌الرسم، شلیک توپ متوالی بود. خطابه‌ای را که برای ادای مقاصد مقدسه و اظهار مکنونات ضمیر الهام پذیراقدس و شمول کمال معدلت و سر بلندی و افتخار مملکت و قوت و قدرت دولت و ترقی و ثروت و منت و شیوع تمدن و اشاعه تربیت و اتحاد فریقین و موافقت فئین ترتیب داده بودند، جناب نظام‌الملک قرائت نموده، عموم بار یافتگان به اسغای آن، روح و روانی تازه یافته از دل و جان حالاً و قالاً به عرض تشکر و دعا و ثنا و مدح و منقبت ذات فرخنده صفات معلی پرداختند.

چون تمام شرایط سلام عام به عمل آمد، سربلندان اجازه انصراف حاصل نموده به منازل خود بازگشتند و شهر، خود يك باره هیكل شغف یافت و صورت مسرت گرفت، که ممالک محروسه ایران صانهاالله عن‌الحدثان، دارای تاریخ تازه شد و از این خطابه مقدسه ملوکانه که جناب نظام‌الملک قرائت نمود مراتب شاهنشاه ما مظفرالدین شاه، به خوبی مشهود و مکشوف خواهد گردید.

درواقع روز هیجدهم شعبان که در هذه‌السنه معارن چهاردهم میزان است بزرگترین عید نیکبختی ایران است و البته ملتفت مزیت و شرافت این روز فیروز شده‌اند، که قول دولت امروز به فعلیت رسید و از روز صدور دستخط مشروطیت و حریت تا به امروز در تهیه مقدمات انتخابات بودند، لکن امروز تأسیس و تشکیل مجلس شورای ملی رسمیت را حاصل نمود و با حضور سفراء کبار دول، مبعوثین و وکلاء ملت معرفی شدند. باری صورت خطابه ملوکانه از این قرار است:

خطابه اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعون‌الله تعالی، از قوه به فعل آمد و به انجام آن مقصود مهم به‌عنایات الهیه موفق شدیم. زهی روز مبارک و میمون که روز افتتاح مجلس شورای ملی است مجلسی که رشته‌های امور دولتی و مملکتی را به هم مربوط و متصل می‌دارد و علایق ما بین دولت و ملت را متین و محکم می‌سازد. مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است. مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون ماست، در حفظ ودایمی که ذات واجب‌الوجود به کف کفایت ما سپرده؛ امروز روزی است که بروداد و اتحاد ما بین دولت و ملت افزوده می‌شود و اساس دولت و ملت برشالوده محکم گذارده می‌شود و امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتخواه دولت و امناء و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه

اهالی وطن ما بکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع اهالی و مملکت و البته می‌دانید که این است اساس مقدسی که به ملاحظاتی شخصی مشوب و مختل نشود و به اغراض نفسانی فاسد نگردد. حالا بر انتخاب شدگان است که تکالیف خود را چنان که منظور نظر دولت و ملت است انجام بدهند.

بدهی است، که هیچ کدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید. مگر به واسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاقی و معلومات بزرگ اغلب از مردم داشته‌اید و خود این نکته باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ماست و رجاء واثق داریم که با کمال دانش و بینش و بی‌غرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهید داد ولی با وجود این، چون قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خودمان می‌دانیم و در خشنودی و مسرت و غم و الم آنها سهمیم و شریکیم، باز لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها فقط باید به خودتان بود و بس ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده‌اند و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموری که باعث فساد است، احتراز نمائید. پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما شرمنده و خجل نباشید. این بند و نصیحت ما را هیچ وقت فراموش نکنید و آبی از مسئولیت بزرگی که برعهده گرفته‌اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهاست و حافظ حق و حقانیت.

دست خدا همراه شما بروید مسئولیتی را که برعهده گرفته‌اید با صداقت و درستی انجام بدهید و به فضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید.

هیجدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴

پس از اختتام خطابه موزیک نظام به‌ترنم عیش و سوز و تبریک مترنم آمد تا کنون در ایران چنین سلامی دیده نشده بود که با حضور هفده نفر مجتهد مسلم لازم‌الاتباع زهاد عباد صدای موزیک بلند شود.

چون تعظیم شعائرالله را باعث بود. لذا آقایان در مقام منع برنیامده بلکه موزیک شرعی را مستمع آمدند.

باری پس از اختتام سلام و تشریفات شایان که امروز را نخستین روز استقلال دولت و بقاء و دوام ملت نامیدنش سزااست.

حضرات منتخبین مجلس شورای ملی برگشته، مختصراً مشغول مذاکرات، تألیف

نظامنامه داخلی مجلس شدند و به سبب تنگی وقت مقرر نمودند که در عصر روز دو شنبه نوزدهم ماه شعبان منتخبین ملت در مجلس شورای ملی حاضر شده و به یاد سلامت ذات خجسته سفات اعلی حضرت شاهنشاهی صرف شربت و شیرینی نموده و هم یک نفر را از خودشان رئیس مجلس شوری با بقیه اعضای هیئت مجلس انتخاب نموده و هم نظامنامه داخلی شوری را مرتب نمایند .

روز دوشنبه نوزدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴ هجری - یونتایل - امروز منتخبین ملت در مدرسه نظامیه مجلس کردند پس از صرف شربت و شیرینی و جای و قلیان به اکثریت آراء جناب صنیع الدوله پسر مرحوم مخبر الدوله به سمت ریاست مجلس برقرار گردید این شخص از اشخاص با تربیت و تحصیل کرده با ملاحظه و با علم ، سنین عمرش بین چهل و پنجاه ، مدتی هم در خارجه تحصیل کرده است .

جناب وثوق الدوله پسر معتمد السلطنه شیرازی که از جوانان با علم و دانش است نایب اولی رئیس گردید .

جناب حاج محمد حسین آقا امین الضرب ، به دومین نیابت ریاست مجلس برقرار آمد . جناب آقا سید محمد تقی هراتی و جناب آقا میرزا علی اکبر خان دبیر السلطان و جناب میرزا اسماعیل خان عون الدوله را نیز به اکثریت آراء ، اعضای دفتر کابینه مجلس شورای ملی انتخاب نمودند .

پس از اتمام کار به صحن عمارت آمده شاهزاده عبدالله میرزا ، عکاس مخصوص همایونی ، سه دستگاه عکس فتوگرافی (کروپ) از منتخبین با گروه دیگر از محترمین که مدعواً حاضر بودند برداشت .

از طرف ریاست مجلس شوری مقرر شد که مجلس تا روز یکشنبه ۲۴ ماه شعبان تعطیل باشد ولی جماعتی مرکب از منتخبین حاضر شوند ، که نظامنامه داخلی مجلس را مرتب نموده و در روز یکشنبه مزبور به منتخبین مجلس شورای ملی تسلیم نمایند ، تا بعد از تنقیح و تحریر به اکثریت آراء مصحح گشته ، مجری گردد .

مقصود جناب صنیع الدوله از این تعطیل دو چیز است ، و الا جمعی در مجلس نشسته نظامنامه را بنویسند منافات با دایر بودن مجلس ندارد ، چه ضرر داشت که روزی دو ساعت مجلس دایر باشد و در اطاق دیگری جمعی مشغول نوشتن نظامنامه باشند .

امر اول آن که اهل مجلس از اول امر ، عادت نکنند که بدون نظامنامه مجلس کنند . امر دوم دولتیان واهمه نکنند و رأی اعلی حضرت را منصرف ننمایند و بدانند مجلس ضرری به آنها ندارد . یک امر دیگر هم تصور می شود و آن این است که مسامحه بکنند تا کتابچه های قوانین که از خارجه خواسته است ، برسد . در هر صورت اگر صنیع الدوله مانعی در جلو خود نبیند به قاعده حرکت خواهد کرد ، چه هم خودش عالم است و هم

برادرهایش که با او متفق و متحدند.

روز سه شنبه بیستم ماه شعبان ۱۳۲۴ - در چند روز قبل آقای طباطبائی به جناب صدراعظم گفت که اخباری که از تبریز می‌رسد کاشف از این است، که ولیعهد مایل به مجلس نیست و اخلال می‌کند. جناب صدراعظم به حضرت حجة الاسلام اطمینان داد و قول داد که مخالفتی از ولیعهد ظاهر نگردد و تلگراف رمز به ولیعهد مخابره کرد از این جهت تلگرافی از ولایت عهد برای صدراعظم و تلگرافی به جناب عضدالملک مخابره گردید و چون امروز به دست ما آمد لذا در عنوان امروز درج گردید و هذا صورته.

از تبریز به طهران (تلگراف ولیعهد)

جناب مستطاب اجل اشرف اکرم افخم ارفع صدراعظم زیدمجده الآن که دو ساعت از شب گذشته، تلگراف جناب عالی رسید و کشف شد از این اظهار جناب حجة الاسلام آقا سید محمد آقای مجتهد سلمه الله تعالی تعجب کردم. در صورتی که شاهدهی مثل جناب عالی دارم که صدور دستخط تلگرافی را بر حسب خواست جماعت، من خودم استدعا کردم و صادر شد. چه طور؟ به چه قسم؟ من او را مکتوم نگاه داشته در وصول دستخط تلگرافی همان دستخط را به توسط قونسل انگلیس به مردم داده و آنها را فوراً از قونسلخانه بیرون آورده با شادی تمام بازار را باز کردند و الان چهار شب است مشغول چراغانند و روز هم مشغول تعیین و کلاء هستند. تفصیل این است که زحمت دارم که عین این تلگراف را برای جناب حجة الاسلام آقا سید محمد آقای مجتهد طباطبائی سلمه الله فرستاده و ایشان را مطلع و مستحضر نماید منتظر جوابم.

شب ۱۴ شعبان - پنج ساعت از شب گذشته

(ولیعهد)

تلگراف از تهران به تبریز

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف اقدس اعظم والا، ولیعهد دامت شوکته العالی - اظهار مرحمت و تفضل و احوال‌پرسی که به توسط حضرت اشرف آقای عضدالملک فرموده بودید باعث مزید تشکر و دعا گوئی گردید. امیدوارم به توجهات و اهتمامات و عنایات مخصوصه حضرت اقدس؛ زحمت دعا گوین در خدمات دولت و ملت موجب مزید شوکت سلطنت و قوت دولت و ترقی ملت و آبادی مملکت و رفاه و اصلاح حال رعیت گردیده و ادعیه صمیمانه دعا گوین و عامه ملت، اسباب مزید سعادت و سلامت وجود مقدس پادشاه اسلام و حضرت اقدس والا باشد.

(اعضاء - محمد بن صادق طباطبائی)

این تلگراف از طرف حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی به عنوان حضرت والا، ولیعهد

مخابره گردید. لکن تلکراف ولیعهد که به جناب عضدالملک مخابره کرده بود به دست ما رسید، از این جهت درج نکردید.

روز چهارشنبه ۲۱ شعبان ۱۳۳۴ - در این روز در مدرسه نظامی گفتگو است که چرا صنیع الدوله یک هفته مجلس را تعطیل نموده است.

جناب دبیر خاقان که متخلص به نیر می باشد و از گویندگان با فر و فروغ عصر است قصیده ای در مدح و ثنای اعلیحضرت گفته است. چون در این تاریخ از هر گونه مطلبی به رشته نثر و کتابت در می آورم مناسب این است که قصیده را هم درج کنم.

« شعر »

مشید گشت قصر عدل و کاخ ظلم شد ویران .
 کزان آباد ویران گشت وزین ویران شد آبادان .
 به حکم عقل باید کرد، دیو نفس را زندان .
 بماند سالها ملکش مصون از آفت حدثان .
 مسلم دان، نمی ماند بدو این ملک جاویدان .
 چنان کز همت آنان فزاید رونق ایمان .
 فزون گردد نفوس و علم و کسب و ثروت آنان .
 بر افرازد لوای برتری از سایر اقران .
 که در بدل است چون قآن و در عدل است و شروان .
 ز ایذاء زبر دستان و نا هنجاری شیطان .
 که کرد آزاد ملت را ز قید و زلت و خذلان .
 که بر بوده است گوی نیکی از شاهان در این میدان .
 قرین با عدل و داد و حال نیک و خاطر شادان .
 نه بیند کس پهریشانی، مگر در طره جانان .
 یکی شکر خدا، دیگر دعای دولت سلطان .
 ز نادانی گراید زی نفاق و بشکنند پیمان .
 چنان کز انفاق است این که مشکل ها شود آسان .
 نخستین عقل و دویم علم و سوم رأفت و احسان .
 مکرم دانش و می دان و را از زمره انسان .
 نشاید خواندش انسان، بلکه باشد کمتر از حیوان .

ز حسن انفاق خلق و لطف خسرو ایران
 بلی از ظلم و از عدل است این آثار در عالم
 به نسبت عدل و عقل و ظلم چون نفس ستم پرور
 شه ار در دین بود کاهل چو دارد عدل و داد و فر
 و کز دین دارد و آئین او ظلم است در گیتی
 به زیر سایه عدل شهان گردد جهان ایمن
 رعیت چون رعایت دید از راعی دانشور
 بیفزاید از این بابت بسی بر شوکت دولت
 کتون شاهنشاه ایران مظفر شاه دین پرور
 بساط معدلت گسترده و راحت کرد ملت را
 مگر آموخت شاه از سروقدان رسم آزادی؟
 بماند پایدار این عدل در ظل چنین شاهی
 خدایا! این خداوند زمین را عمر وافی ده
 نخیزد فتنه دیگر جز ز چشم مست مهرویان
 به جای این عطوفت خلق را واجب دو چیز آمد
 بسی آید شکفتم، گردانند ملت این نعمت
 نمی داند نفاق است این که آسانها کند مشکل
 سه چیز آمد دلیل اشرفیت، نوع انسان را
 هر آن ذی نفس کامل پیروی کرد این سه خصلت را
 هر آن کس کو ندارد هیچ یک زین خصلت نیکو

چرا سلام و تشکیل مجلس در هیجدهم شعبان برپا شد؟

میل مبارک اعلیحضرت این بود که در روز عید مولود امام زمان یعنی در پانزدهم شعبان مجلس منعقد گردد. لیکن صدراعظم و ارباب حل و عقد مملکت به عرض رسانیدند

که شأن و شرافت روز افتتاح مجلس کمتر از اعیاد نیست . البته در هر سال روز افتتاح مجلس را جشن خواهند گرفت . هر گاه افتتاح در پانزدهم شعبان باشد این دو جشن بزرگه مشترك بوده و جشن افتتاح داخل در جشن عید مولود و شاید مضمحل گردد . از این جهت شاه قبول فرمود و در هیجدهم ماه شعبان افتتاح رسمی مجلس و مجلس شورای ملی تشکیل یافت . الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً .

رازی که نهان بود پس پرده حریران کردند عیان با دف و نی در سر بازار مسیو نوزوپرم و چند نفر دیگر از مسیحیان کلاه بخارائی ایرانی به سر گذارده و جبه ترمه پوشیده ، در صف وزراء ایستاده بودند .

روز پنج شنبه ۲۹ شعبان ۱۳۲۴ هجری - سابقاً نوشتیم که آقا میرزا محمد تقی گرکانی از وکالت علماء استعفا داد . آقای آقاسیدعبدالله داماد خویش را به جایش منصوب کرد و نیز نصره السلطان و دبیر السلطان که هر دو از جوانان عالم و کافی بودند به اسباب چینی و دبایس مغرضین از وکالت استعفاء دادند .

جناب حاجی میرزایحیی دولت آبادی که از سادات دولت آباد اصفهان و پسر حاجی میرزاهادی دولت آبادی است و چندی است که به اتهام بایگیری در تهران متوقف شدند و مردم می گویند ولیعهد و نایب مناب میرزایحیی «ازل» می باشد و حاج میرزاهادی سنش تقریباً نود سال می باشد و در منبر ، بد طولائی دارد ، صاحب پنج پسر می باشد . پسر بزرگش آقامیرزا احمد است که در اصفهان بر مسند شرع نشسته است . پسر دومی او حاجی میرزا یحیی است که در علم و ادب و خط و منبر و هنرهای دیگر به کمال و آراسته است . پسر سویمی او حاجی میرزا محمدعلی است ، این مرد هم با کمال و صاحب اخلاق حسنه است . پسر چهارمی او آقامیرزاهادی است که بسیار جوان با ادبی است . پسر پنجمی او میرزا علی محمد است .

در بین پسرهای حاجی میرزا هادی مردم در باره حاجی میرزایحیی حرف می زنند و می گویند حاجی میرزا هادی که بعد از «ازل» باید نایب باشد . نیابت خویش را به حاجی میرزایحیی واگذار کرده است . ولیعهد «ازل» حاج میرزایحیی را قرار داده است . ولی بدبختانه هنوز «ازل» زنده است نه حاج میرزا هادی بهره برد و نه حاج میرزایحیی خواهد برد . بنده نگارنده ده سال با این خانواده قدم زدم و بر اسرار آنها پی بردم چیزی نفهمیدم ، بلکه تقصیر حاج میرزایحیی و سبب این اتهام کمالات صوری و معنوی ، حاج میرزا یحیی است که محسود خلایق شده است . و الا باید گفت حاج میرزایحیی از اصل دین دارد و زیر مذهب نخواهد رفت و الا شأن او اجل و اشرف و اعظم از این است که نسبت داده شود به این طایفه ضالّه بی علم و دانش .

باری حاج میرزا یحیی به خیال افتاد که امتیاز روزنامه ای به اسم روزنامه مجلس از

دولت بگیرد و برای مشیرالدوله صدراعظم هم کاغذی نوشت . صدراعظم وعده به او داد . و آقامیرزامحسن داماد آقای بهبهانی این مسئله را شنید و خیال حاج میرزایحیی را دانست با آقامیرزامحمدصادق پسر آقای طباطبائی عنوان مقصود حاج میرزایحیی را نمود . آقا میرزامحمدصادق که سالها در این خیال بود و محرك بنده نگارنده بود که روزنامه نورو را که مدتی تعطیل است دایر کنم و من بنده جواب می‌دادم تا آزادی قلم را نداشته باشم نمی‌توانم روزنامه را دایر کنم ، به جناب آقامیرزامحسن گفت : امتیاز روزنامه مجلس را برای خود بگیر و با من شراکت کن . چرا باید حاج میرزایحیی این کار بزرگ و دخل هنگفت را در ببرد؟ خلاصه آقامیرزامحسن عازم گردیده مراتب را به مشیرالملک پسر صدراعظم در میان آورد . مشیرالملک گفت: چون صدراعظم قول به حاج میرزایحیی داده است بلکه نوشته هم به مشارالیه داده است ، لذا راه این است ، که شما عریضه‌ای به شاه عرض کنید من دستخط شاه را می‌گیرم . آن وقت بهانه برای صدراعظم هست ، بالاخره جناب آقامیرزامحسن دستخط امتیاز روزنامه مجلس را صادر نموده با جناب آقامیرزامحمدصادق و پسر جناب آقا سید عبدالله شریک شده ، بنایشان بر این قرار گرفت که آقامیرزامحسن صاحب امتیاز و آقامیرزامحمدصادق مدیر روزنامه مجلس گردد حاج میرزا یحیی بیچاره هر چه دست و پا کرد ، به جایی نرسید و از این خیال منصرف گردید .

فهرست وقایع سلطنت مظفرالدین شاه

روز جمعه ۴ غره رمضان المبارک ۱۳۲۴ - در این روز جلد سوم تاریخ خود را ختم می‌نمایم به آنچه که در دوره سلطنت مظفرالدین شاه در ایران دایر گردید:
 جشن عید مولود حضرت سیدالشهدا (ع) در سال اول سلطنت در سنه ۱۳۱۳ .
 رواج کلاه نمذ برای اهل نظام به توسط عبدالحسین میرزا فرمانفرما در سال دوم سلطنت .

تأسیس مدارس ملی به طرز جدید در سال سوم سلطنت در سنه ۱۳۱۵
 انعقاد انجمن معارف و روزنامه معارف و شرکت طبع کتب در تهران در سال پنجم سلطنت ۱۳۱۶

تکثیر و تعدد جراید و روزنامه‌ها در این عهد میمنت معهود به تعداد ذیل:
 روزنامه ایران، از سابق بود .

روزنامه اطلاع، از سابق بود . این دو روزنامه دولتی از سابق دایر بوده است .

روزنامه ادب، مدیر و نویسنده آن جناب ادیب‌الممالک ، در اواخر نویسنده آن مجدالاسلام .

روزنامه نامه مصور، موسوم به شرافت، نویسنده آن معجیرالدوله و مدیرش اعتمادالسلطنه .
 روزنامه تربیت، مدیر و دبیرش ذکاءالملک .

- روزنامه‌نویس ، مدتی در مصر دایر بود . اواخر عمرش در تهران به مدیریت آقا سید فرج‌الله کاشانی دایر گردید .
- روزنامه‌نویس ، در بوشهر . به مدیریت میرزا علی‌آقا شیرازی منتشر گردید .
- روزنامه‌نویس ، در تبریز و در اواسط حدید و در اواخر عدالت نشر و طبع می‌گردد ، مدیرش آقا سید محمد و در اواخر سید حسین خان بود .
- روزنامه‌نویس ، از قلم بنده نگارنده به عالم ظهور می‌رسید و در اواخر موسوم به کوکب دری گردید .
- روزنامه‌نویس ، که در انجمن ظهور الدوله طبع و نشر می‌گردید . روزنامه‌نویس .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش در اول مفتاح‌الملک و در اواخر میرزا محمد علی بهجت دزفولی بود .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش نیز بهجت بود .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش میرزا جهانگیر خان و دبیرش میرزا علی‌اکبر خان دخی بود .
- روزنامه‌نویس ، مدیر و دبیرش میرزا ابراهیم خان طیب .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش مجدالاسلام (یومیه)
- روزنامه‌نویس ، مدیرش مجدالاسلام
- روزنامه‌نویس ، که در اواخر ، مظفرالدین شاه امتیازش را گرفت و در زمان محمد علی شاه نشر یافت .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش میرزا محمد حسین اصفهانی .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش آقا سید عبدالوهاب معین‌العلماء بود که امتیاز آن در زمان مظفرالدین شاه گرفته شد .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش مدبر الممالک هرندی .
- روزنامه‌نویس ، عراق عجم ، مدیرش ادیب الممالک .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش ، ملک‌المورخین .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش نیز ملک‌المورخین .
- روزنامه‌نویس ، روح‌القدس .
- روزنامه‌نویس ، روح‌الامین ، مدیرش آقا سید محمد علی عراقی .
- روزنامه‌نویس ، مدیرش فخرالاسلام .

روزنامه عیب‌نما، با عین مهمله، در اواخر، غیب‌نما با غین معجمه، مدیرش آقامیرزا عبدالرحیم کاشانی.

روزنامه اقیانوس، که امتیاز آن در زمان مظفرالدین شاه گرفته شد.

روزنامه مجلس، مدیرش آقامحمدصادق و دبیرش در اوایل ادیب‌الممالک و در اواخر آقا شیخ یحیی کاشانی بود.

روزنامه رهنما، مدیرش آقامیرزا عبدالرحیم کاشانی

روزنامه مکتب رشديه، در اواخر موسوم به تهران گردید.

روزنامه تهران، مدیرش آقامیرزا حسن مدیر مدرسه رشديه

روزنامه بامداد، صاحب امتیاز آن حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، مدیرش آقا

روزنامه مجله استبداد، مدیرش شیخ‌الممالک قمی.

روزنامه حقوق، مدیرش شاهزاده سلیمان میرزا.

روزنامه حیل‌المتین یومیه، مدیرش میرزا سیدحسن، برادر مؤیدالاسلام.

روزنامه صبح صادق، مدیرش مؤیدالممالک کرمانی.

روزنامه حلم آموز مدیرش میرزا جعفر خان کرمانی.

روزنامه شرف و شرافت مدیرش برادر تقی‌زاده.

روزنامه معرفت در انجمن ظهیرالدوله نوشته می‌شد.

روزنامه فلاح که در مدرسه فلاحت به ریاست مسیو داسر طبع و نشر می‌گردید.

روزنامه هفتک هفتک، که در اداره صوراسرافیل نشر می‌گردید.

روزنامه دانش روزنامه بلديه، مدیرش معتمدالاسلام رشتی

روزنامه شورای بلدی مدیرش نیز معتمدالاسلام رشتی.

روزنامه اتحاد مدیرش نیز معتمدالاسلام رشتی.

روزنامه بیداری.

روزنامه زشت و زیبا.

روزنامه خلاصه الحوادث در تهران، به طریق یومیه در سال ۱۳۱۶ سال چهارم سلطنت.

روزنامه‌های فارسی که از خارج به ایران وارد گردید و برای بنده نگارنده آمد.

روزنامه حیل‌المتین، هفتگی، مدیرش مؤیدالاسلام و در کلکته طبع و نشر می‌شد.

روزنامه انجمن ملی، تبریز.

روزنامه اتحاد، تبریز.

روزنامه انصارالدین،

روزنامه آذر با بجان، مصور.

روزنامه عدالت، در تبریز.

روزنامه حکمت، از قاهره مصر.

- روزنامهٔ ندای اسلام ، از شیراز .
 روزنامهٔ ظفری ، که سابق نوشته شده .
 روزنامهٔ اصفهان
 روزنامهٔ جهاد اکبر ، اصفهان .
 روزنامهٔ انجمن ، اصفهان .
 روزنامهٔ انصار ، اصفهان که مجله‌ای بود بسیار قشنگ و زیبا .
 روزنامهٔ خورشید ، از مشهد .
 روزنامهٔ بشارت، از مشهد رضوی
 روزنامه‌های از رشت مدیرش افصح المتکلمین .
 روزنامه‌های از همدان .
- چند روزنامهٔ دیگر هم برای بنده نگارنده می‌آمد که حالا اسمشان در نظر من نیست.
 ایجاد کارخانهٔ قند در سال دوم سلطنت در کاریزک تهران .
 موقوف کردن مالیات خبازخانه و قصابخانه در سال اول سلطنت .
 اقامه و دایر کردن تعزیهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در سال پنجم سلطنت .
 انکشاف صنعت کاشی طلائی (زفلیما تیک) در تهران به دستگیری خواجه عبدالکریم تاجر کلدانی در سال چهارم سلطنت .
 ایجاد مدارس جدید در تهران و آنچه را که بنده نگارنده دیده و در آن وارد شده از قرار ذیل است :

- ۱ - مدرسهٔ اسلام ، مؤسس آن جناب حجة الاسلام آقامیرزا سید محمد طباطبائی .
- ۲ - مدرسهٔ علمیه ، مؤسس آن مفتاح الملك و احتشام السلطنه و انجمن معارف .
- ۳ - مدرسهٔ رشديه ، مؤسس آن آقامیرزا حسن تبریزی .
- ۴ - مدرسهٔ علمیهٔ اول ، مؤسس آن شیخ الملك سیرجانی کرمانی .
- ۵ - مدرسهٔ افتتاحیه ، مؤسس آن مفتاح الملك .
- ۶ - مدرسهٔ هدایت ، مؤسس آقا سید مهدی .
- ۷ - مدرسهٔ شرف ، مؤسس آن ناظم الاطباء کرمانی .
- ۸ - مدرسهٔ ثروت .
- ۹ - مدرسهٔ سلطانی .
- ۱۰ - مدرسهٔ تربیت .
- ۱۱ - مدرسهٔ ادب ، مؤسس آن حاجی میرزا یحیی .
- ۱۲ - مدرسهٔ سادات ، مؤسس آن حاجی میرزا یحیی .
- ۱۳ - مدرسهٔ خرد ، مؤسس آن میرزا عبدالرضا خان .

- ۱۴ - مدرسه معرفت ، مؤسس آن ظهیرالدوله .
- ۱۵ - مدرسه سعادت ، مؤسس آن مترجم الدوله .
- ۱۶ - مدرسه امانت .
- ۱۷ - مدرسه اقبال .
- ۱۸ - مکتب رشیدیہ ثانویہ .
- ۱۹ - مدرسه فلاحت .
- ۲۰ - مدرسه سیاسی ، مؤسس آن مشیرالدوله .
- ۲۱ - مدرسه دبستان دانش ، مؤسس آن حاجی میرزا یحیی بہ پور ارفع الدوله .
- ۲۲ - مدرسه خیریہ ، مؤسس آن میرزا کریم خان سردار .
- ۲۳ - مدرسه مدیریہ .
- ۲۴ - مدرسه قوامیہ .
- ۲۵ - مدرسه تمدن .
- ۲۶ - مدرسه شرافت .
- ۲۷ - مدرسه قرہنک .
- ۲۸ - مدرسه مدیریہ .
- ۲۹ - مدرسه ایمانیہ .
- ۳۰ - مدرسه نظامیہ .
- ۳۱ - مدرسه قزاقخانہ .
- ۳۲ - مدرسه قدسیہ ، مؤسس نظام الحکماء .
- ۳۳ - مدرسه اقدسیہ .
- ۳۴ - مدرسه ہمایون .
- ۳۵ - مدرسه افتخاریہ .
- ۳۶ - مدرسه اعتضادیہ .
- ۳۷ - مدرسه الیانس .
- ۳۸ - مدرسه ارامنہ .
- ۳۹ - مدرسه پروتستانیہا .
- ۴۰ - مدرسه تادیب .
- ۴۱ - مدرسه دارالرشاد .
- ۴۲ - مدرسه رفعت .
- ۴۳ - مدرسه شریعت ، مؤسس آقا شیخ باقر .
- ۴۴ - مدرسه فضیلت .

۴۵ - مدرسه کمالیه .

۴۶ - مدرسه مظفریه .

۴۷ - مدرسه یهود .

۴۸ - مدرسه اتفاق جاوید .

۴۹ - مدرسه شاه آباد .

بعضی مدارس دیگر هم افتتاح شد که اسامی آنها در نظرم نیست . این مدارس به علاوه مدرسه دارالفنون بود که در زمانهای سابق وعهد ناصرالدین شاه مفتوح شده بود . در سایر شهرهای ایران از قبیل آذربایجان و اصفهان و یزد و کرمان و مشهد و همدان و کرمانشاهان و شیراز و بوشهر و رشت ، مدارس و مکاتب متعدده مفتوح گردید . شیوع ماشین زراعت در خالصجات دولتی در سال چهارم سلطنت که ناصرالسلطنه از فرنگستان به طهران خواست .

ازدیاد قزاق که سابقاً پانصد نفر بودند ، در سال چهارم سلطنت به هزار و دوپست نفر رسید و پس از آن قریب به دوهزار نفر گردیدند .

تأسیس راه شوسه از رشت به طهران در سال سوم سلطنت ، شروع به سنگ فرش و تسطیح معابر طهران در سال سوم سلطنت .

کاوش شهر شوش که امتیازش به فرانسه ها داده شده که هر چه پیدا شود به دولت ایران هم بهره بدهد ،

آزادی روزنامه به یک اندازه در ایران در سال پنجم سلطنت .
شیوع تلمبه های بخاری در سال ششم سلطنت که از چاه آب جاری آب بالا آوردند .
رواج پول نیکل در ایران در سال ششم سلطنت .

نمای قصر فرح آباد و ضرابخانه جدید در سال ۱۳۲۰ در تهران .
شیوع عکس باطن (زتکن) در تهران در سال هشتم سلطنت .
بنای عمارت جدید در عمارت گلستان و سقف بلور و چراغهای برق در زیر آن در سال هفتم سلطنت .

ازدیاد چراغ برق در عمارت سلطنتی در سال هفتم سلطنت .
بروز تخم چای در گیلان و تخم جنکل در جاجرود در سال ششم سلطنت .
ترقی گمرک و تذکره و پست ایران که چندین برابر شده و گمرک را مخصوص سرحدات قرار دادند و گمرک داخله را موقوف کردند در سال هفتم سلطنت .
در روزنامه نوروژ نوشته ام بخشیدن گمرک داخله در سنه ۱۳۱۹ هجری است .
ایجاد و اختراع وزارت کابینه برای ثبت و ضبط احکام در سال دهم به امر شاهزاده عین الدوله اتابک اعظم .